

**Persian transcript:**

**محسن:** حالا آگه [اگر] به [یک] دخترى مثلاً بیست و پنج سالشه [سالیست] است... چون خیلی وقت ها این دخترهایی که خودسوزی می کنند خیلی بین های کمی دارند؛ حالا آگه به دخترى که حالا بیست و پنج سالشه [سالیست] است سی سالشه یا کمتر بیشتر طلاق بگیره [بگیرد] چه اتفاقی برای یک دختر مطلقه می افته مثلاً؟

**آزیتا:** خب آگه اول از همه آگه امکان مالی نداشته باشه [باشد] که به محل سکونتى برا [برای] خودش در نظر بگیره [بگیرد] و بره [برود] تنهایی زندگى کنه [کند]، باید بره پیش پدر مادرش زندگى کنه. خیلی پدر و مادرها، اصلاً همین طور که گفتیم دوست ندارند که دختر مطلقه ای [با آن ها زندگى کند]، براشون [برای آن ها] سرشکستگيه [سرشکستگی] است [که بگند] بگیرند دختر ما طلاق گرفته و برگشته با ما زندگى می کنه. و بعدش هم جامعه فکر می کنه که، حالا مخصوصاً مردها فکر می کنن [می کنند]، این زنى که طلاق گرفته خیلی گزینیه [خوبیه] است [برای سوء استفاده ی حالا جنسى از این زن برای این که می بیند که این بی پناه ترین موجوده [موجود است]؛ نه شوهرى داره که از او [از او] دفاع کنه. نه پدر و مادری داره که بخوان [بخواهند] حالا پشتش بایستند. خیلی راحت به خودشون این اجازه رو می دهند [می دهند]...

**محسن:** چرا؟ یک دخترى، یک دخترى که بیست و پنج سالشه [سالیست] است، به راحتی می تونه [می تواند] دوباره ازدواج کنه چون جوونه! [جوان است] اتفاق خاصی نیفتاده؟

**آزیتا:** خیلی خونواده ها [خانواده ها] هم... این برای همه صدمه نمى کنه آلان. توی فامیل های ما هم هستند دخترهای جوانی که ازدواج کردند؛ تو همین بیست و پنج شش سالگی به این نتیجه رسیدند که نمى توانند [نمی توانند] به زندگیشون [زندگى شان] ادامه بدن [بدهند]، طلاق گرفتند. خوشبختانه بعد چند سال ازدواج کردند، ازدواج هاشون هم خیلی موفقه [موفق است]، ولی باز هم نمى شه [نمی شود] این رو به مثال زد برای همه جامعه. برای این که توی ایران به مرد مثلاً سی ساله ترجیح می ده [می دهد] با به دختر بیست و پنج ساله که ازدواج نکرده، ازدواج کنه، نه کسی که مطلقه است.

**محسن:** آیا این جور نیست که مثلاً به دخترى که طلاق می گیره [می گیرد]، عموماً باید منتظر باشه که یک مرد بسیار مسین تر از خودش بیاد [بیاید] باهاش [با او] ازدواج کنه؟

**آزیتا:** دقیقاً! یا مسین تر باشه، یا این که خود اون مرد قبلاً زن داره و بچه داره؛ و اینا [این را] حالا می خواد [می خواهد] به عنوان زن دومش بخواد با این ازدواج کنه. خیلی، خب، آپشن ها محدودتر می شه.

**محسن:** درست [درست است]. یعنی واقعاً آگه یک دختر جوان [جوان] طلاق بگیره، دیگه [دیگر] باید منتظر این باشه که یک خیلی کم... باید منتظر باشه که یکی که...

**آزیتا:** در حد خودش [خودش است].

**محسن:** دقیقاً. که به لحاظ سینی هم نزدیکه [نزدیک است]... باهاش ازدواج کنه.

**آزیتا:** معمولاً این طوریه [طوری است]. باز مطلق نیست، توی مثلاً جاهای مختلف [ایران] فرق می کنه، ولی به طور آماری این طوریه [طوری است].

**محسن:** درست.

**English translation:**

**Mohsen:** Now, if a girl, let's say who is twenty-five years old...since most of the time such girls who burn themselves<sup>1</sup> are very young... now if a girl who is twenty-five, thirty years old or less seeks divorce, what could for example happen to a divorcée?

**Azita:** Well, first of all, if she doesn't have the financial means by which she could keep in mind a place for herself to live—where to go and live alone, she must go back to live with her parents. Many parents, just like what I said don't like to have a divorced daughter live with them. It is shameful for them to say our daughter is divorced and is back to live with us. Then, the society too thinks; now especially men think such a divorced woman is a good choice to take sexual advantage of since they [think] this woman is a defenseless being. There is no husband to protect her. There are no parents to stand by her. Very easily they [men] allow themselves to...

**Mohsen:** Why? A girl, a girl who is twenty-five years old can easily remarry since she is young! Nothing special has happened.

**Azita:** Many families are too...this is not true for every one nowadays. In our family there are young girls who were married. At the age of twenty-five they realized they couldn't continue and got divorced. Fortunately, after a few years remarried. Their marriages are also very successful. But again it can't be the same example for the entire society. However, in Iran a thirty year old man prefers to marry a twenty-five year old girl who's [never] been married, not some one who is a divorcée.

**Mohsen:** Isn't it that a girl who gets divorced must normally wait for an older [than her] man to come and marry her?

**Azita:** Exactly! Either he must be older or that he has been previously married and has children and things like that. Now, he wants to marry her as his second wife. Well, options are very limited.

**Mohsen:** It is correct. I mean really if a young girl seeks divorce, she must wait for a very few...she must wait that someone who...

**Azita:** ...is on her level.

**Mohsen:** Exactly, who is also closer to her age...marry him.

**Azita:** Normally, it's like this. Again it is not absolute. For example, it is different in various places of Iran, but statistically it is like this.

**Mohsen:** Right.

---

<sup>1</sup> Previously Mohsen and Azita had discussed the issue of young women committing suicide by self-immolation.

**About CultureTalk:** CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use every day. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

© 2012 Five College Center for the Study of World Languages and Five Colleges, Incorporated